

عنوان مقاله:

تبیین عوامل کالبدی پایدار اثر گذار بر افزایش حس تعلق به مکان در مجتمع های مسکونی

محل انتشار:

اولین کنگره بین المللی مهندسی عمران، معماری، مصالح ساختمانی و محیط زیست (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

علی جان نثار - دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، آیت الله آملی، آمل، ایران.

فاطمه ابراهیم زاده - هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت اله آملی، آمل، ایران.

ابراهیم امیرکلانی - هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوادکوه، سوادکوه، ایران.

خلاصه مقاله:

حس تعلق به عنوان یکی از شاخص های نو پا عرصه ی معماری در دهه های حاضر مطرح بوده که تاثیر آن در ارتباط هرچه بیشتر مصرف کنندگان با تولیدات معماری باعث پرداخت به این موضوع شده است. تا تولیدات معماری بتواند ارتباط عمیق تر و کاراتری با مصرف کنندگان را داشته باشد حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تاثیر گذار میان مردم و مکان - با اجزاء تشکیل دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش عمیق ارتباط و تعامل فرد با محیط می گردد و با گذر زمان عمق و گسترش بیشتری می یابد ضرورت تبلور حس مکان در فضای زندگی از آن جهت است که فرد به درک و شناخت از خود و محیط و به یک تعامل عاطفی مطلوب و سودمند با محیط می رسد، خود را بخشی از محیط می پندارد و با آن احساس غریبی و نا آشنایی نمی کند، در قبال محیط احساس تعهد و مسوولیت می کند و حس رضایتمندی از محیط را به دست می آورد. با توجه به رشد چشمگیر طراحی مجتمع های مسکونی در کلان شهرها و شهرهای صنعتی نوع جدیدی از زیست بوم و تجمع های انسانی در غالب فضای زندگی بوجود آمده است که می بایست پاسخگوی نیازهای معنوی و معنایی و کالبدی ساکنین آن جهت ایجاد یک کلونی مطلوب و پایدار باشد. لذا حس مکان در مجتمع مسکونی و ایجاد ظرفیت برای دل بستن و تعلق به فضای زندگی مساله اصلی طراحی می باشد که نبود آن عدم مسوولیت و تعهد ساکنین به مجتمع و محله خود، خشونت گرایی و بی تفاوتی نسبت به محیط، به هم ریختگی و بی نظمی مکان زندگی، ناامنی محیط و نارضایتی از آن را در پی دارد. حال سوال آن است که چگونه و توسط چه مولفه ها و شاخص هایی می توان اولاً به بروز حس مکان و ارتقا آن در محیط کمک کرد و ثانياً توسط کدام الگوهای معماری می توان حس تعلق به مکان را در مجتمع مسکونی به منصفه ظهور رساند؟ از این رو این مساله بستری لازم را برای نگارش پژوهش حاضر فراهم کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف شناسایی این حس در معماری به ابعاد مختلف و عوامل تشکیل دهنده آن و شناخت کالبدی و معنایی مجتمع مسکونی در خلال ایجاد پتانسیل و فرصت های ضمنی و نهفته برای شکوفایی و تقویت حس مکان در سوزه طراحی می پردازیم. دستاورد این پژوهش را می توان ذکر این نکته دانست که فضاهای مسکونی از لحاظ کالبدی دارای کاراکترهای مشخص و متمایز است که در آفرینش احساس تعلق به مکان موفق تر است. در واقع به هر اندازه محیط در تامین سطوح مختلف نیازهای انسانی توانا تر باشد؛ به همان نسبت فرد ارتباط خود با محیط را موثر می داند و به آن محیط احساس تعلق بیشتری دارد.

کلمات کلیدی:

حس مکان، تعلق به مکان، عوامل حس مکان، مجتمع های مسکونی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1488454>

